

محمد حسین بنی اسدی، دیپلمات پیشین در گفت‌وگو با «ایران» به بهانه حضور رئیس‌جمهوری در اجلاس بریکس بررسی کرد

بریکس؛ سکوی تقویت موازنه سیاسی برای تهران

● گفت و گو

فاطمه غربیی / گروه دیپلماسی- در پی برگزاری اجلاس بریکس در هند و حضور مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری در این نشست، توجه‌ها بار دیگر به ظرفیت این گروه برای حمایت از اعضا در برابر فشارهای سیاسی و اقتصادی آمریکا معطوف شده است.

ایران نیز با توجه به عضویت در این مجموعه در پی استفاده از ظرفیت‌های سیاسی، اقتصادی و تجاری بریکس برای کاهش آثار تحریم‌ها و تقویت مناسبات خود با قدرت‌های غیرغربی است.

در همین راستا، محمد حسین بنی اسدی، دیپلمات پیشین در پاکستان در گفت‌وگو با «ایران» با بررسی انتظارات تهران از اجلاس بریکس، مواضع چین، روسیه و هند و ظرفیت‌های اقتصادی این مجموعه تأکید می‌کند که ایران انتظار دارد در اجلاس آتی از حمایت سیاسی، دیپلماتیک یا اقتصادی بریکس برخوردار شود و بتواند حمایت از ایران و محکومیت تجاوز و تحریم‌های آمریکا را در بیانه پایانی این اجلاس بگنجاند.

آقای پزشکیان در نشست

بریکس با چه هدفی وارد راینی با قدرت‌های غیرغربی خواهد شد و مهم‌ترین مطالبات ایران از این کشورها چیست؟

ایران با هدف اصلی قرار گرفتن در مسیر تلاش‌های جهانی برای تضعیف هژمونی آمریکا در ساختار اقتصادی جهان، به‌ویژه کاهش سلطه امپراطوری دلار و فراهم کردن زمینه‌ای برای رهایی از فشار و تحریم‌های آمریکا اهمیت زیادی برای عضویت و تقویت جایگاه خود در بریکس قائل است.

از همین رو، تهران انتظار دارد این نهاد در معادلات و تقابلهای جاری به‌ویژه در برابر فشارهای آمریکا از ایران حمایت کند و ظرفیت‌های سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک آن به شکلی مؤثرتر فعال شود. در این برهه حساس که ایران همچنان در معرض تجاوز نظامی آمریکا قرار دارد، آقای پزشکیان نیز انتظار دارد اجلاس بریکس در هند بتواند به عرصه‌ای برای نشان دادن حمایت این نهاد از ایران تبدیل شود؛ حمایتی که می‌تواند در سطح سیاسی، دیپلماتیک یا اقتصادی

بروز پیدا کند. در حداقل سطح انتظار، تهران امیدوار است مواضع حمایتی از ایران و محکومیت تجاوز و تحریم‌های آمریکا در بیانه پایانی اجلاس گنجانده شود؛ موضوعی که می‌تواند نشانه‌ای از نقش‌آفرینی بریکس در برابر فشارهای یک‌جانبه آمریکا باشد.

حمایت سیاسی بریکس از ایران و محکومیت تعرض به حاکمیت سرزمینی کشور چه جایگاهی در تقویت موقعیت سیاسی و دیپلماتیک ایران در برابر آمریکا دارد؟

بن‌مایه تشکیل گروه بریکس و دیدگاه بیانگذاران آن، عمدتاً بر همکاری‌های اقتصادی، تجاری و انرژی با هدف افزایش نقش کشورهای عضو در معادلات جهانی استوار است. با این حال، برخی کشورها متناسب با شرایط و اقتضات خود، مایل به طرح مسائل و مشکلات سیاسی و ترغیب بریکس به ورود به حوزه‌های سیاسی و دیپلماتیک هستند تا در نهایت بتوانند از حمایت این گروه برخوردار شده و زمینه محکومیت

اقدامات و سیاست‌های تجاوزگرانه آمریکا را فراهم کنند که ایران نیز در زمره این کشورها قرار می‌گیرد.

آیا پزشکیان می‌تواند در بریکس حمایت سیاسی چین، روسیه و دیگر اعضا از ایران را به همکاری‌های عملی‌تر تبدیل کند؟

بریکس صرفاً مجموعه‌ای از کشورها با منافع اقتصادی مشترک نیست، بلکه بخشی از یک روند گسترده‌تر برای کمربند کردن نقش یک‌جانبه‌گرایانه آمریکا در ساختار جهانی است؛ روندی که از مسیر تقویت ائتلاف‌ها و سازوکارهای اقتصادی و حتی امنیتی دنبال می‌شود. از این منظر، اهمیت بریکس برای ایران بیش از آنکه به دریافت یک حمایت صریح و حداکثری در یک مقطع خاص محدود باشد، به فرصت بلندمدتی بازمی‌گردد که شکل‌گیری و تقویت چنین ترتیبی برای کاهش وابستگی به نظم تحت سلطه آمریکا ایجاد می‌کند. برای ایران که سال‌ها تحت فشار تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا قرار داشته، تقویت این سازوکارها می‌تواند یک فرصت

هند از بدو استقلال، پیوسته روابط نزدیک و مستحکمی با ایران داشته و به ایران به‌عنوان «همسایه» خود (همسایه پاکستان)، مرکز جهان تشیع، کریدور و مسیر ترانزیتی برای اتصال به افغانستان، روسیه، آسیای میانه و قفقاز، منبع تأمین انرژی، بازاری برای تجارت و محصولات کشاورزی، متحدی در جنبش عدم تعهد و... نگاه می‌کرده است.

دلیلی نو احتمالاً در اجلاس بریکس بر ضرورت صلح، ثبات منطقه‌ای و پایان درگیری‌های نظامی تأکید می‌شود. در این حال، روابط هند و ایران برای دلیلی نو در کنار مناسباتش با کشورهای عربی خلیج فارس، آمریکا تعریف می‌شود. بنابراین هند در تنظیم مواضع خود برای ایران، علاوه بر

اهمیت روابط دوجانبه، ناگزیر ملاحظات راهبردی و اقتصادی خود با این شرکا را نیز در نظر خواهد گرفت.

آیا بریکس می‌تواند از یک چارچوب سیاسی برای محکومیت اقدامات آمریکا فراتر برود و به سازوکاری برای مقابله با تحریم‌های ثانویه و فشارهای اقتصادی علیه اعضا تبدیل شود؟

بریکس را نمی‌توان به‌عنوان میدان مستقیم زورآزمایی با آمریکا تعریف کرد؛ زیرا اعضای آن، هم در سطح منافع اقتصادی و هم در مناسبات سیاسی، رویکردهای متفاوتی نسبت به واشنگتن دارند. با این حال، اهمیت این مجموعه در حال افزایش، به‌عنوان یک پلتفرم برای کشورهای جنوب و به‌ویژه کشورهایی که با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا مسأله دارند، قابل توجه است. بریکس از این منظر می‌تواند به تدریج فضای بیشتری برای طرح مطالبات کشورهای جنوب و کاهش انحصار غرب در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و سیاسی جهانی ایجاد کند. در این میان، چین و روسیه همچنان موتور اصلی تحرک بریکس خواهند بود و برای ایران نیز حضور فعال در چنین پلتفرمی، فرصتی برای تقویت پیوندهای جنوب و کاهش فشارهای یک‌جانبه‌ای است.



تأمین مالی مشترک، انرژی، حمل‌ونقل، زنجیره تأمین و پروژه‌های زیرساختی متمرکز کنند. در واقع، تقویت پیوندهای اقتصادی و کاهش وابستگی به سازوکارهای تحت سلطه غرب می‌تواند به تدریج همکاری بریکس را عمیق‌تر و قدرت‌چانه‌زنی اعضا از جمله ایران را افزایش دهد.

آقای پزشکیان در بریکس چگونه می‌تواند از ظرفیت واقعی این مجموعه در مسیر همکاری‌های اقتصادی استفاده کند، بدون آنکه از بریکس انتظار یک ائتلاف ضدآمریکایی داشته باشد؟

آقای پزشکیان می‌تواند با تمرکز بر تجارت با ارزهای ملی، تسهیل مبادلات بانکی، توسعه کریدورهای حمل‌ونقل، انرژی، سرمایه‌گذاری مشترک و اتصال بازارهای ایران به اقتصادهای بزرگ بریکس از این ظرفیت استفاده کند. برای ایران، مهم این است که بریکس از یک چارچوب سیاسی به یک شبکه عملیاتی همکاری اقتصادی تبدیل شود؛ شبکه‌ای که بتواند وابستگی اعضا به سازوکارهای مالی و تجاری تحت سلطه غرب را کاهش دهد، بدون آنکه الزاماً به تقابل مستقیم با آمریکا منجر شود.

بریکس تا چه اندازه می‌تواند به اهداف اولیه خود در زمینه توسعه همکاری‌های اقتصادی و تجاری دست یابد؟

بانیان اصلی گروه بریکس، یعنی چین و روسیه و دو قدرت نوظهور هند و برزیل که در سال ۲۰۰۶ به این گروه پیوستند و سپس آفریقای جنوبی که در سال ۲۰۱۰ به آن ملحق شد، این تشکل را با محوریت همکاری‌های اقتصادی و تجاری بنا نهادند؛ با این امید که بریکس بتواند الگویی برای همکاری‌های اقتصادی میان اعضا و همچنین دیگر کشورهایی باشد که مایل به عضویت و همکاری با این تشکل نوپا هستند.

با این حال، کشورهای بنیان‌گذار بریکس هر یک با چالش‌هایی مواجه‌اند که می‌تواند بر روند فعالیت و همکاری‌های این نهاد تأثیرگذار باشد. مهم‌ترین چالش بریکس، تفاوت منافع و اولویت‌های اعضاست؛ از رقابت‌های اقتصادی و تجاری گرفته تا اختلافات سیاسی و امنیتی. با این حال، همین تنوع می‌تواند به جای مانع، مبنای یک همکاری عمل‌گرایانه باشد. اعضا می‌توانند بدون تلاش برای ایجاد یک بلوک سیاسی ضدآمریکایی، همکاری را بر حوزه‌هایی مانند تجارت با ارزهای ملی، بانک و

۳ استدلال حقوقی ایران برای محدودسازی همکاری با آژانس

● یادداشت

محسن عبداللهی

استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی



در پی تصمیم اخیر شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای گزارش پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت، موضوع نحوه تعامل تهران با آژانس و نسبت این نهاد با کشورهای عضو شورای حکام بار دیگر مورد توجه قرار گرفته است.

ایران در شرایط جنگی چه کند؟

نکته دوم به موافقتنامه پادمان میان ایران و آژانس مربوط می‌شود. این موافقتنامه که در سال ۱۹۷۳ میان دولت وقت ایران و آژانس امضا و در سال ۱۹۷۴ لازم‌الاجرا شد، ایران را به همکاری با آژانس و فراهم کردن دسترسی‌های لازم برای اجرای فعالیت‌های رستنی آزمایشی و نظارتی متعهد می‌کند. این تعهدات، امکان و تأسیسات هسته‌ای اعلام‌شده از سوی ایران و همچنین مواردی را که آژانس بر اساس اطلاعات موجود نسبت به فعالیت هسته‌ای در آن‌ها ظن داشته باشد، دربرمی‌گیرد.

اصل تعهد ایران به همکاری با آژانس در چارچوب این موافقتنامه روشن است؛ با این حال، پرسش مهم این است که آیا این تعهدات صرفاً ناظر بر شرایط عادی و زمان صلح است یا در شرایط جنگی نیز به همان شکل استمرار دارد. موافقتنامه پادمان در این خصوص حکم صریح و روشنی ارائه نمی‌کند.

اقتضات شرایط فوق‌العاده

در مقابل، موافقتنامه پادمان برای شرایط غیرمعمول نیز سازوکاری پیش‌بینی کرده است. بر این اساس، اگر ایران به این نتیجه برسد که شرایطی ایجاد شده که محدود کردن دسترسی آژانس را ضروری می‌کند، می‌تواند این موضوع را فوراً و از مسیرهای رسمی به آژانس اعلام کند. بنابراین، اگر ایران شرایط

که ملاحظات دفاع مشروع و ضرورت حفاظت از اطلاعات حساس، در شرایط فعلی محدودیت‌هایی را بر میزان همکاری با آژانس ایجاد می‌کند.

استناد به «ضرورت» در شرایط خطر قریب‌الوقوع
در نهایت، استدلال حقوقی دیگری که وضعیت جنگی امکان همکاری کامل با آژانس را ندارد یا برخی دسترسی‌ها را مغایر با الزامات دفاع مشروع خود می‌داند، می‌تواند این موضع را به‌طور رسمی با مدیرکل آژانس در میان بگذارد. دست‌کم وزارت امور خارجه می‌تواند این موضع حقوقی را به‌طور رسمی اعلام کند تا مبنای حقوقی تصمیم ایران درباره نحوه همکاری با آژانس در شرایط کنونی روشن باشد.

ملاحظات دفاع مشروع ایران
از منظر حقوق بین‌الملل، ایران می‌تواند سه مبنای حقوقی را برای توضیح محدودیت‌های همکاری با آژانس مطرح کند: نخست، درباره تأسیسات هسته‌ای که در حال حاضر زیرآوار قرار گرفته‌اند، از جمله تأسیسات تظنن و اصفهان، ایران می‌تواند به شرایط قهری و فورس ماژور استناد کند و توضیح دهد که وضعیت فیزیکی این تأسیسات، امکان همکاری و دسترسی آژانس را در شرایط کنونی محدود یا منتفی کرده است.

درخصوص سایت‌های جدیدی که از سوی آمریکا، رژیم صهیونیستی و برخی کشورهای غربی مطرح شده و ادعا می‌شود در آن‌ها فعالیت‌هایی صورت گرفته است نیز ایران می‌تواند به مبنای دفاع مشروع استناد کند. ایران همچنین می‌تواند با توجه به شرایط جنگی و آنچه تجاوز مستمر علیه خود می‌داند، نسبت به پیامدهای ارائه اطلاعات به آژانس و احتمال افشای داده‌های حساس ابراز نگرانی کند؛ اطلاعاتی که در نهایت ممکن است در جریان این جنگ علیه ایران و توسط دولت‌های متخاصم مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین، ایران می‌تواند استدلال کند

با این حال، اگر عملکرد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پس از حملات آمریکا و رژیم صهیونیستی به تأسیسات هسته‌ای ایران را بررسی کنیم، یک ناظر مستقل به‌سختی می‌تواند عملکرد آژانس را در این روند واجد معیارهای بی‌طرفی بداند. طبیعی است که دولت ایران، به‌عنوان یکی از اعضای قدیمی آژانس انتظار داشته باشد حمله و تجاوز به کشور و تأسیسات هسته‌ای آن از سوی این نهاد محکوم شود؛ به‌ویژه آنکه ماوریت آژانس در حوزه ایمنی و امنیت هسته‌ای و اجرای موافقتنامه‌های پادمانی نیز چنین انتظاری را تقویت می‌کند.

با این حال، عملکرد آژانس این تصور را ایجاد کرده است که این نهاد نه‌تنها حملات مذکور را به‌صراحت محکوم نکرده، بلکه در مواردی زمینه لازم برای تشدید تخاصم را نیز فراهم کرده است.

از سوی دیگر، آژانس در شرایطی که جنگ در جریان است، بدون آنکه علت اصلی جنگ و عامل آغازکننده آن را محکوم کند، ایران را به دلیل عدم همکاری با این نهاد مورد انتقاد قرار می‌دهد؛ این در حالی است که از شرایط حاکم بر ایران و محدودیت‌های ناشی از جنگ بر امکان همکاری هسته‌ای کشور آگاه است. در چنین شرایطی، صدور قطعنامه علیه ایران و فراهم شدن زمینه برای ارجاع موضوع به شورای امنیت، از منظر ایران قابل انتقاد است. پرسش اساسی این است که چگونه می‌توان در میانه یک جنگ و بدون توجه به شرایطی که در پی حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران ایجاد شده است، صرفاً بر تعهدات ایران در قبال آژانس تمرکز کرد و عدم همکاری را مبنای تصمیم‌گیری علیه کشور قرار داد؟

آژانس و آزمون بی‌طرفی در جنگ

در باره اینکه آیا آژانس مورد سوءاستفاده قرار گرفته است یا خیر، باید توجه داشت که تصمیم‌سازی در سازمان‌های بین‌المللی تابع قواعد مشخصی از جمله اصل اکثریت است. شخصی از برخی از این سازمان‌ها، ترکیب آرا و اکثریت مورد نیاز برای تصمیم‌گیری عملاً تحت تأثیر دولت‌های غربی قرار دارد و به همین دلیل، در مواردی شاهد تصویب قطعنامه‌هایی علیه ایران با آرای شکننده هستیم. اینکه چه انگیزه‌ها و اهداف سیاسی یا نظامی پشت این تصمیمات قرار دارد، موضوع دیگری است؛ اما در هر حال، ساختار تصمیم‌گیری و ترکیب آرا بر روند تصمیمات این نهادها تأثیرگذار است.



تهدیدهای خود درباره حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران، از جمله سایت کوه کنگ، ادامه می‌دهد، چرا باید واشنگتن همچنان به دنبال طرح چنین موضوعی در شورای امنیت باشد؟

به نظر من، هدف ایالات متحده از بگیری این روند، الزاماً دریافت مجوز برای اقدام نظامی نیست؛ بلکه این کشور به چنین فرآیندی برای جلب افکار عمومی بین‌المللی یا دست‌کم کاهش فشار افکار عمومی بین‌المللی در قبال حمله احتمالی مجدد به تأسیسات هسته‌ای ایران نیاز دارد. به عبارت دیگر، ایالات متحده به فرآیند شورای امنیت، حتی اگر این فرآیند در نهایت به نتیجه عملی منجر نشود، به‌عنوان ابزاری برای توجیه افکار عمومی داخلی در آمریکا و همچنین افکار عمومی بین‌المللی نگاه می‌کند. از این منظر، قرار گرفتن پرونده ایران در دستور کار شورای بین‌المللی یا دست‌کم کاهش فشار افکار عمومی بین‌المللی در قبال حمله احتمالی

مجدد به تأسیسات هسته‌ای ایران نیاز دارد. به عبارت دیگر، ایالات متحده به فرآیند شورای امنیت، حتی اگر این فرآیند در نهایت به نتیجه عملی منجر نشود، به‌عنوان ابزاری برای توجیه افکار عمومی داخلی در آمریکا و همچنین افکار عمومی بین‌المللی نگاه می‌کند. از این منظر، قرار گرفتن پرونده ایران در دستور کار شورای بین‌المللی یا دست‌کم کاهش فشار افکار عمومی داخلی و بین‌المللی است.

ارجاع پرونده به شورای امنیت چه آثاری دارد؟
تصمیم‌گیری در شورای امنیت تابع سازوکار حق وتو است و مخالفت هر یک از اعضای دائم می‌تواند مانع تصویب یک قطعنامه شود. اگر یکی از اعضای دائم معتقد باشد قطعنامه‌ای با منافع اساسی آن در تعارض است یا با اهداف سیاسی و برخلاف موازین حقوقی تنظیم شده، می‌تواند با تصویب آن مخالفت کند. منطق شکل‌گیری این ساز و کار بر این اصل استوار بوده که «قدرت، قدرت را مهار کند». در عمل نیز مخالفت و استفاده از حق وتو در مواردی مانع اقدام یکجانبه یا زیاده‌خواهی‌های قدرت‌های بزرگ شده است؛ چه از سوی کشورهای غربی و چه از سوی کشورهای شرقی.

سوی دولت‌های غربی و آمریکا، مورد بهره‌برداری قرار گیرد. در نهایت به نتیجه عملی منجر نشود، به‌عنوان ابزاری برای توجیه افکار عمومی داخلی در آمریکا و همچنین افکار عمومی بین‌المللی نگاه می‌کند. از این منظر، قرار گرفتن پرونده ایران در دستور کار شورای بین‌المللی یا دست‌کم کاهش فشار افکار عمومی بین‌المللی در قبال حمله احتمالی مجدد به تأسیسات هسته‌ای ایران نیاز دارد. به عبارت دیگر، ایالات متحده به فرآیند شورای امنیت، حتی اگر این فرآیند در نهایت به نتیجه عملی منجر نشود، به‌عنوان ابزاری برای توجیه افکار عمومی داخلی در آمریکا و همچنین افکار عمومی بین‌المللی نگاه می‌کند. از این منظر، قرار گرفتن پرونده ایران در دستور کار شورای بین‌المللی یا دست‌کم کاهش فشار افکار عمومی داخلی و بین‌المللی است.

شورای امنیت
ابزار توجیه سیاسی و رسانه‌ای

با این حال، ممکن است این پرسش مطرح شود که وقتی ایران در حال حاضر درگیر جنگ است و ایالات متحده نیز بدون نیاز به دریافت مجوز جدید، به

نظر می‌رسد قطعنامه پیشنهادی در صورت طرح برای تصویب با وتوی یکی از این دو کشور مواجه شود و به تصویب نرسد. اما پرسش مهم این است که چرا کشورهای غربی، از جمله آمریکا و کشورهای اروپایی، به‌جای همکاری با این نهاد مورد انتقاد ایران در قبال آژانس تمرکز کرد و عدم همکاری را مبنای تصمیم‌گیری علیه کشور قرار داد؟

آثار سیاسی و روانی ارجاع پرونده

به نظر می‌رسد یکی از دلایل این اقدام، آثار سیاسی و روانی قرار گرفتن یک پرونده در شورای امنیت باشد. هنگامی که در یک قطعنامه، موضوعی مرتبط با تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی مطرح یا دولتی در حوزه پادمان و مسائل هسته‌ای به‌عنوان ناقض تعهدات خود معرفی شود، این موضوع می‌تواند در فضای سیاسی و رسانه‌ای، به‌ویژه از